

امام خامنه ای (۱۳۸۶/۲/۲۵):

با او {تحول} سینه به سینه نباید شد؛ باید تحول را مدیریت کرد، تا به پیشرفت بیانجامد.

تبیین اجمالی مدیریت تحولات به وسیله هدایت نظامات ذهنی

تبیین ضرورت و تعریف هدایت نظامات ذهنی

پیش نویس اول - ۳۰ صفر ۱۴۳۵

زمان برگزاری نشست:

جلسه دوم نشست هم اندیشی، مورخ ۲۵ مهرماه ۱۳۹۲

مکان: قم

حاضرین: مسئولین کارگروه های گفتمان

پیاده و ویراست اولیه: حجه الاسلام مجید گودرزی

ویراست مجدد و فهرست: محمدرسول علی بابایی

فهرست اجزای

۱. تبیین هرم مفاهیم الگوی پیشرفت اسلامی، موضوع سلسله نشست های هم اندیشی مسئولین و فعالان کارگروه های گفتمانی ۳
۲. تبیین ضرورت نظام سازی ذهنی به عنوان مقدمه برای تبیین فلسفه، روش و نقشه نظام سازی ذهنی ۳
۳. تبیین نگرش های سه گانه "فردی"، "اجتماعی" و "تاریخی" موثر بر تصمیم گیری فرد ۹
۴. الزام پردازش مبتنی بر جهت به منظور هدایت نظامات ذهنی ۱۵

۱. تبیین هرم مفاهیم الگوی پیشرفت اسلامی، موضوع سلسله نشست های هم اندیشی مسئولین و فعالان کارگروه های گفتمانی

موضوع نشست های هم اندیشی مسئولین کارگروه های گفتمانی، تبیین هرم مفاهیم الگوی پیشرفت اسلامی است.

۱/۱. تبیین هرم اول مباحث الگوی پیشرفت اسلامی، موضوع دومین نشست هم اندیشی

و موضوع دومین نشست هم اندیشی، تبیین هرم اول مباحث الگوی پیشرفت اسلامی یعنی تبیین فلسفه، روش و نقشه راه نظام سازی ذهنی می باشد.

۲. تبیین ضرورت نظام سازی ذهنی به عنوان مقدمه ای برای تبیین فلسفه، روش و نقشه نظام سازی ذهنی

براساس فهرست پیشخوان نشست های هم اندیشی - هرم اول مباحث الگوی پیشرفت اسلامی - ابتدا به ضرورت نظام سازی ذهنی و پس از آن به تبیین فلسفه، روش و نقشه راه نظام سازی ذهنی پرداخته خواهد شد.

۲/۱. تبیین ضرورت نظام سازی ذهنی به وسیله تبیین فلسفه مدیریت تحولات

ضرورت نظام سازی ذهنی به صورت اجمال همان فلسفه مدیریت اسلامی تحولات است.

۲/۱/۱. غیر قابل انکار بودن وقوع تحولات در بخش های مختلف جامعه

این عبارت به آن معنا می باشد که تحولاتی^۱ - که یا منشأ خارجی داشته و یا اینکه از داخل پیشنهاد شده اند - در محیط های اطراف افراد جامعه، مانند محیط های آموزشی، خانوادگی، پژوهشی، اقتصادی و ... در حال وقوع می باشند. و با اندک تأملی این تحولات در جامعه قابل مشاهده است.

۱. حالا تحول یعنی چه؟ تحول چرا؟ مگر بناست تغییر اتفاق بیفتد؟ بله. تحول در جوامع انسانی و برای بشر، سنت لایتغیر الهی است. هیچ کس نمی تواند در مقابل تحول بشری بایستد؛ امکان ندارد. دیر یا زود، یکی پس از دیگری، تحولات بشری اتفاق می افتند. این راز ماندگاری و راز تعالی بشر است. اصلاً خدا بشر را این طور قرار داده است که ایستایی در طبیعت انسان نیست. شاید یکی از فرقه های انسان با بقیه اشیا هم همین

۲/۱/۱/۱. تبیین چند نمونه از تحولات صورت گرفته در جامعه ایران

به عنوان مثال؛ پیش از ورود دارالفنون، نظام آموزشی ایران دارای محتوا و روش خاصی تحت عنوان مکتب خانه بوده است؛ و افراد قبل از ورود به مکتب خانه، یک دوره ای به نام ادبستان را می گذراندند. اما دوره های آموزشی زمان حال در جدیدترین مدل دو دوره شش ساله می باشد. در حوزه های دیگر مانند اقتصاد نیز ردپای این تحولات قابل بررسی و مشاهده می باشد، به عنوان مثال در گذشته بجای تولید صنعتی امروز، تولید به صورت کارگاهی انجام می شده است. در حوزه سیاست نیز چنین بوده است، در گذشته سیاست براساس نظام پادشاهی بوده است، و پادشاهان فرزندان خویش را برمی گزیدند؛ به عبارت دیگر انتقال مدیریت جامعه بواسطه پیوند خونی صورت می گرفت. و اگر پادشاهی فرزند پسر نداشت اختلاف و درگیری در کشور بوجود می آمد، اما امروز سیاست و مدیریت جامعه بواسطه دموکراسی یعنی رأی مردم صورت میگیرد. و البته جمهوری اسلامی در این عرصه یک تحول ایجاد کرد و مشارکت مردم را در یک جهت خاص رسمیت بخشید، که از آن به مردم سالاری دینی تعبیر میشود، و مثال های بی شمار دیگر که می توان نام برد. بنابراین اصل وجود تحول در جامعه، غیرقابل انکار و پذیرفته شده است.

۲/۱/۲. تبیین مواضع سه گانه ممکن اتخاذ در مقابل تحولات

اما مسئله اصلی مواجهه با این تحولات است. در برخورد با این تحولات می توان سه موضع اتخاذ کرد^۲. اولین موضع پذیرش مطلق، دومین موضع ایستادگی و برخورد دفعی و سومین موضع در مقابل تحولات، مدیریت تحولات است.

باشد. البته در بقیه ی اشیا هم یک نوع تغییرات، تحولات و تبدیل انواع را می گویند، که من حالا به آن مسائل کار ندارم؛ نه درست واردیم و نه می توانیم قضاوت کنیم؛ نه به بحث ما ارتباطی دارد؛ اما در بشریت تحول حتمی است. با تحول نیابستی مقابله کرد؛ تحول را نباید انکار کرد. و باید به سوی تحول - به همان معنایی که عرض خواهم کرد - به شکل درست حرکت کرد. در مقابل تحول چه هست؟ رکود. نقطه ی مقابل تحول، رکود است. بعضی اینها را غلط می فهمند و اشتباه معنا می کنند .

بخشی از بیانات آیت الله امام خامنه ای در دیدار با دانشجویان دانشگاه سمنان ۱۳۸۵/۸/۱۸

۲. در آخرین دیداری که من با دانشجویها داشتم - چند ماه قبل در سمنان - بحث تحول را مطرح کردم. گفتم تحول، سنت الهی است در زندگی بشر. با او سینه به سینه نباید شد؛ از او استقبال باید کرد. باید تحول را مدیریت کرد، تا به پیشرفت بینجامد؛

۲/۱/۲/۱. بررسی برخورد دفعی با تحولات به عنوان اولین موضع ممکن در مواجهه با تحولات

به عنوان مثال در حال حاضر کشور به یک میوه ممنوعه-مذاکره با آمریکا- رسیده است. ممکن است گفته شود، باید با این تحول سینه به سینه شد. که نقشه راه با آن مخالف است. زیرا معنای ایجاد یک تحول در جامعه آن است که برای تحقق آن تحول در جامعه طرفدارانی وجود دارد و به تعبیر نقشه راه، نظامات ذهنی جامعه به سمت آن تحول گرایش پیدا کرده است. در این صورت برخورد دفعی با تحول غیر ممکن است، زیرا هدایت نظامات ذهنی امری تدریجی است و به صورت دفعی واقع نمی گردد. بنابراین برخورد دفعی یا سینه به سینه شدن با تحولات مخالف جهت، صحیح نمی باشد. چرا که وقوع تحول فرع بر پذیرش آن تحول توسط انسان ها است؛ در نتیجه اگر فردی این تحول را نمی پسندد، باید ریشه های ایجاد این تحول یعنی پذیرش ها و پسندهای منجر به این تحول را تغییر دهد. لذا در مقابل میوه ممنوعه در سیاست خارجی، با نرمش قهرمانانه یک محیط آزمایش برای این تحول فراهم می شود؛ تا باطن این تحول ناپسند واضح شود. البته از اول هم به این تحول اظهار بدبینی شده است؛ تا هنگامی که این تحول دچار افول شد، همه می فهمند که باید بگویند «لا احب الاقلین». این روش پیامبران است. حضرت ابراهیم با کسانی که ستاره پرست بودند سینه به سینه نمی شدند، بلکه می فرمودند که «هذاربی» و بعد از آنکه ستارگان در نور روز گم می شدند، حضرت سراغ خدای افول شده را می گرفت؛ و سپس جمله «لا احب الاقلین» را می فرمودند و باعث ایجاد تأمل برای گمراهان می شدند. بنابر این نقشه راه، سینه به سینه شدن با تحول را موضع صحیحی برای مواجهه با تحولات نمی داند.

جامعه را پیش برد. این را آنجا مطرح کردم. البته همان جا هم گفتم - الان هم تکرار میکنم - دانشگاهیان؛ چه دانشجو، چه استاد و حوزویان؛ چه طلبه، چه استاد، همه باید این خط و رشته‌ی فکری را تعقیب و دنبال کنند. حالا توضیحات بیشتری عرض خواهم کرد تا بتوانیم به نتیجه برسیم.

بیانات آیت الله امام خامنه ای در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی ۱۳۸۶/۲/۲۵

۲/۱/۲/۲. بررسی پذیرش مطلق تحولات به عنوان دومین موضع ممکن در مواجهه با تحولات جامعه

موضع دیگر، پذیرش مطلق تحولات است. طرفداران این موضع، معتقد هستند، تحولی که واقع شده است و مردم به آن رأی داده اند، مورد پذیرش است و نباید با آن مخالفت کرد. لذا بر این اساس دائماً متناسب با تحولات رنگ عوض می کنند، و هر تحولی که در جامعه ایجاد می شود به راحتی مورد پذیرش این افراد قرار می گیرد.

۲/۱/۲/۳. تبیین «مدیریت تحولات» به عنوان موضع مختار نقشه راه برای مواجهه با تحولات جامعه

موضع سوم، مدیریت تحولات می باشد. این موضع، منتخب نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی برای مواجهه با تحولات جامعه است.

۲/۱/۲/۳/۱. تبیین اجمالی مدیریت تحولات به وسیله نفی دو موضع هم عرض

موضع سوم؛ هیچ کدام از دو موضع مطرح شده را نمی پذیرد، زیرا سینه به سینه شدن با تحولات منجر به انزوای اصول و پذیرش مطلق تحولات منجر به نفی اصول می گردد. بعد از نفی این دو احتمال، گمانه سوم-مدیریت تحولات- متولد خواهد شد. باید توجه داشت که بحث از تحولات مانند بحث از شبهه ابن کمونه نیست که در کتاب باشد، بلکه این دو احتمال یعنی پذیرش مطلق تحولات و رد مطلق تحولات امروز در جامعه طرفدارانی دارد. البته هنوز مدیریت تحولات تبیین و تشریح نشده است، در واقع تا کنون بیان شد که مدیریت تحولات چه چیزی نیست. زیرا در دستگاه فکری اسلام و انقلاب تفهیم یک موضوع از نفی اضداد آن آغاز می گردد.^۳ بنابراین مدیریت تحولات برخورد دفعی و پذیرش مطلق تحولات نیست. حال باید گفت مدیریت تحولات به چه معنا می باشد؟

۳. این مفهوم در فرمایشات امیر المومنین علیه السلام در نهج البلاغه وجود دارد. برای تبیین یک مسئله به شکل صحیح، نباید ابتدا شروع به تبیین خود مسئله کرد، زیرا شبهه یکسان انگاری به وجود خواهد آمد، بلکه از نفی ضد آن مفهوم تبیین آغاز میشود. به عنوان مثال برای تبیین مدیریت تحولات ابتدا باید گفته شود: مدیریت تحولات چه چیزی نیست و این یک قاعده عمومی می باشد.

۲/۱/۲/۳/۲. عینی شدن یک تحول در جامعه با اتخاذ تصمیم افراد جامعه، علت آغاز مدیریت تحولات از

هدایت نظامات ذهنی

پیش از تعریف اصطلاحی مدیریت تحولات لازم است دانسته شود، هرگاه یک تحول در جامعه به عینیت می رسد، یعنی صدها نفر متفقا تصمیم بر تحقق آن تحول گرفته اند. و قبل از اتخاذ چنین تصمیمی، نسبت به درستی آن تصمیم توجیه شده اند. به تعبیر نقشه راه نظامات ذهنی این افراد جهت داده شده است. و به علت آنکه در مقام مدیریت غرض اصلی ایجاد مشارکت است، باید موضوع مشارکت، متناسب با نظامات ذهنی افراد جامعه باشد. بنابر این آغاز مدیریت تحولات هدایت نظامات ذهنی است.

۲/۱/۲/۳/۳. تعریف «مدیریت تحولات» به تصرف در نظام نگرش های موثر بر تصمیم گیری افراد جامعه یا

هدایت نظامات ذهنی

به عبارت دیگر می توان گفت: «مدیریت تحولات یعنی هدایت نظامات ذهنی»، و یا «تصرف در نگرش های فردی، اجتماعی و تاریخی موثر بر تصمیم گیری افراد است». عبارت فوق، تعریف اصطلاحی مدیریت تحولات می باشد.

۲/۱/۲/۳/۳/۱. تصرف در نظام نگرش های موثر بر تصمیم گیری، یعنی ایجاد زمینه برای اتخاذ تصمیم

مناسب توسط افراد جامعه

توضیح آن که هر تحولی که به وقوع پیوسته است، به این دلیل ایجاد شده است که افرادی در جامعه پذیرفته اند در ایجاد این تحول مشارکت کنند. به عبارت بهتر بر وقوع این تحول تصمیم گرفته اند. حال مدیریت این تحول یعنی در تصمیم این افراد تصرف شود. تصرف در تصمیم افراد نیز به معنای تصرف در نظامات ذهنی افراد می باشد و نظامات

ذهنی افراد نیز دارای سه سطح "نگرش فرد به خویشتن"، "نگرش فرد به واقعیت های جامعه" و "نگرش فرد به گذشته، حال و آینده یعنی نگرش تاریخی فرد" می باشد. بنابر این اگر شخصی به دنبال مدیریت تحولات است؛ باید در این سه سطح نگرش تصرف کند. اتفاقی که در اثر این نوع از مدیریت تحولات خواهد افتاد، این است که تصمیماتی که علت ایجاد این تحولات نامطلوب هستند، به چالش کشیده می شود و زمینه برای وقوع تحول مطلوب ایجاد می گردد.

۲/۱/۲/۳/۳/۲. تعریف هدایت نظامات ذهنی به وسیله نفی معانی مشابه در غرب

لازم است دانسته شود که هدایت نظامات ذهنی، به معنای مهندسی افکار، بهمن اطلاعات و... نیست، تا به دلیل حجم اطلاعات وارده در ذهن، افراد آن گونه که مد نظر است، اقدام کنند. مانند آنچه در دنیای غرب اتفاق می افتد. به عبارت دیگر مدیریت تحولات به معنای میدان ندادن به افکار مخالف یا میدان دادن بی محاسبه به افکار مخالف نیست، بلکه - اجمالا - به معنای هدایت نظامات ذهنی افراد با استفاده از قواعد^۴ خاص می باشد.

۲/۱/۲/۳/۳/۳. اختصاص هدایت نظامات ذهنی در نگرش های حوزه تصرف غیر معصومان (علیهم السلام)

البته باید توجه شود که سطوح نگرش ها محدود به این سه سطح نگرش نشده است، بنابر این امکان اضافه شدن چهارمین سطح از نگرش ها می باشد، به شرط آن که تصرف در آن نگرش در حوزه اختیار غیر معصوم باشد. به عنوان مثال؛ جغرافیای حیات انسان و یا تصرف مستقیم در روح افراد بر تصمیم گیری فرد موثر است، ولی در حوزه اختیار

۴. این قواعد در الگوی ساخت نظامات اسلامی به صورت تفصیلی مورد بحث قرار خواهد گرفت. به عنوان مثال شروع از نقد به هیچ عنوان پذیرفته شده نیست، در هدایت نظامات ذهنی شروع از نقد حتی نقد منصفانه غلط می باشد، البته شروع از نقد منصفانه در کارهای علمی امری صحیح است؛ ولی در نظام سازی ذهنی یا مقام مدیریت تحولات باید از تعریف اثباتی ایده شروع کرد، چرا که مدیریت از اثبات شروع می شود.

غیر معصوم نمی باشد. ولی اثبات می شود که این سه سطح نگرش در حوزه اختیار غیر معصوم بوده و بر تصمیم گیری های افراد موثر است.^۵

۲/۱/۲/۳/۴. هدایت یا تغییر اختیاری افراد جامعه موضوع اصلی مدیریت اسلامی تحولات

پس نقطه شروع مدیریت تحولات، هدایت نظامات ذهنی است. به عبارت دیگر موضوع کار در مدیریت تحولات، هدایت انسان است. یعنی انسان ها با اختیار خودشان تغییر کنند. لذا گفته شد: نگرشی که منجر به تصمیم غلط شده است را باید با شکست، تردید و نقد روبرو کرد، زیرا مقوم تصمیمات، نظام نگرش های فرد می باشد.

۲/۱/۳. مفهوم «مدیریت تحولات»، تعریفی پایه ای در مباحث الگوی پیشرفت اسلامی

آنچه تا کنون طرح گردید، تعریف پایه از مدیریت تحولات است و تا هرم دهم مباحث الگو، این تعریف یک تعریف پایه خواهد بود. لذا اگر افراد بر پایه اصلی الگوی پیشرفت مسلط نشوند، در بخش پردازش مسئله دچار مشکل خواهند شد.

۵. متغییر اصلی در تصمیم گیری افراد روح، انگیزه و شاکله ایشان می باشد، ولی غیر معصوم قدرت تصرف در شاکله انسان ها که حاکم بر نگرش ها هستند، را ندارد، به همین علت از اول، باب این گونه تصرف بسته میشود. ذکر این مطلب به علت پاسخ به این اشکال می باشد که: چرا حوزه تصرف بر تصمیم گیری فرد منحصر در نگرش های فرد شده است؟ مگر انسان ها فقط نگرش دارند؟ در پاسخ به این اشکال باید گفت: نقشه راه معتقد نیست که آدم ها فقط نگرش دارند، بلکه معتقد است، مدیریت تحولات برای غیر معصوم از تصرف در نگرش ها شروع می شود، اما اگر فردی خواستار ارتقاء ظرفیت و شاکله است، باید از امیرالمومنین و دیگر معصومان علیهم السلام بخواهد. حالا اگر افراد در حوزه غیر معصوم که تصرف در نگرشها و پایین تر از آن است بایستند، حضرت تصرف در شاکله آنها خواهد کرد. به عبارت بهتر اگر اشخاص در حوزه تصرفات خود، هم جهت با حضرت حرکت کنند، آن قسمتی که توان و قدرت افراد نیست، در همین دنیا مورد شفاعت حضرات واقع خواهد شد. این مباحث جزء مبادی بحث است، که در اصول انقلاب بحث می شود.

۳. تبیین نگرش های سه گانه "فردی"، "اجتماعی" و "تاریخی" موثر بر تصمیم گیری فرد

با توجه به آنچه بیان شد؛ مدیریت تحولات، برخورد دفعی و پذیرش محض تحولات نیست، بلکه تصرف در نظامات ذهنی - که شامل نظام نگرشهای "فردی"، "اجتماعی" و "تاریخی" یک فرد است. - می باشد. لذا در این بخش به تبیین سه نگرش مذکور پرداخته می شود.

۳/۱ تبیین «نگرش فردی» به عنوان اولین سطح از نظام نگرش های موثر بر تصمیم گیری فرد

سطح اول از نظام نگرشهای موثر در تصمیم گیری فرد، نگرش های فردی می باشد. زمانی که یک شخص می خواهد تصمیم بگیرد، باید به جهت خاص - که نیازهای او در آن جهت خاص در نظر گرفته شده است - دعوت شود، و الا جهت عملیاتی نمی گردد. به عبارت بهتر، جهتی عملیاتی می گردد که ناظر به نیازها و نگرشهای فرد باشد، در غیر این صورت اصلاً نباید انتظار عملیاتی شدن جهت وجود داشته باشد. چرا که قبل از آن که فرد تصمیم بگیرد، می سنجد که آیا این تصمیم به سود او می باشد و یا پاسخ به نیازهایش است یاخیر؟^۶

۳/۱/۱ تبیین تمثیلی «نگرش های فردی» به وسیله تعریف مبدا و مقصد

به عنوان مثال در روایت آمده است: «خدا رحمت کند کسی را که می داند از کجا آمده است و به کجا می خواهد برود.» در این حالت فرد خود را بر روی پلی می بیند که در حال عبور از آن است، بنابراین هر روز که از خواب بر می خیزد، یکی از عوامل موثر بر تصمیم گیری های او تعریف شخص از مبدا و مقصد است.

۶. این مسئله بحثی فنی در حد ۲۰ جلسه می باشد. که بر اساس فهم ما، مجموعه ای از روایات در باب نظام نگرشهای فرد به خویشتن است. و لازم است بررسی شود که ائمه چگونه برای تغییر نظام نگرشهای فردی افراد ورود پیدا می کردند.

۳/۱/۲. تبیین تمثیلی «نگرش های فردی» به وسیله تبیین مفهوم سود در لسان وحی

مثال دیگر تعریف افراد از سود و نظام نیازمندی ها است، که هر دو تابع نگرش افراد به خود می باشد. قطعاً تعریف فرد مومن از سود با تعریف فرد غیر مومن از سود متفاوت است. لذا در روایت اینگونه می فرماید: «الدنيا سوقٌ ربح فيها قومٌ وخسر الآخرون» یعنی در دنیا خرید و فروش می شود، عده ای سود و عده ای دیگر ضرر می کنند. امام معصوم علیه السلام، در همان برخورد های اول در حال تغییر تعریف سود در ذهن مخاطب است. و یا در قرآن مجید خدای متعال می فرماید: «ان الله اشترى من المومنين» در تعریف شهادت گفته می شود که خدا از مومنین خریداری می کند. برای رساندن معنای شهادت از کلمه اشتری استفاده می نماید. بنابر این خداوند متعال در مفهوم سود به قصد تغییر نگرش افراد تصرف می کند.^۷ با توجه به آنچه گفته شد، ائمه (علیهم السلام) مفهوم جدید تعریف نمی کردند، بلکه همان مفاهیمی را که مخاطب می فهمیده است تکامل می بخشیدند.^۸

۳/۱/۳. تبیین تمثیلی جایگاه نگرش های فردی در تصمیم گیری افراد

به عنوان مثال افراد جامعه - جوانان و یا غیره - به مسجد آمدن دعوت می شوند. اگر بین مسجد آمدن و نگرش های فردی ارتباط نبینند به آن دعوت لبیک نخواهد گفت. همین مسئله در پایگاه های بسیج نیز قابل مشاهده است. کسانی که در این عرصه تصمیم گیر هستند، متوجه شده اند ورودی بسیج کم شده است. لذا با وضع قانون ورودی بسیج را

۷. البته در مباحث تخصصی حوزه بیان خواهد شد که زبان شارع تأسیسی است.

۸. به همین علت است که وقتی پیامبران به مردم می گفتند: شما خواهید مُرد و ما به شما می گوئیم که «موتو قبل ان تموتوا» یعنی با طرف مقابلشان واقعی صحبت می کردند، مردم مرگ عزیزان و نزدیکان خویش را از نزدیک لمس می کردند و مرگ را در یک قدمی خویش می دیدند، لذا وقتی که پیامبران با آنها صحبت می کردند حرفشان کارگر می افتاد، با مردم حرف میزدند ولی سر منبر نمی نشستند بلکه با مردم زندگی می کردند از مریض هایشان عیادت می کردند و در همین حین با مردم گفتگو می کردند.

به نیاز افراد وصل کردند^۹. ولی اشتباهاً بسیج را به نیازی که نباید فربه شود وصل کردند. حالا سئوالی طرح میشود:

بسیجی که برای کسر سربازی به پایگاه آمده است، آن روزی که انقلاب به او احتیاج دارد، باقی خواهد ماند؟

۳/۲. تبیین «نگرش های اجتماعی» به عنوان دومین سطح از نظام نگرش های موثر بر تصمیم گیری فرد

دومین سطح از نظام نگرش های موثر بر تصمیم فرد، "نگرش های اجتماعی" یا نگرش های فرد به واقعیت های پیرامون خود می باشد.

۳/۲/۱. تبیین تمثیلی «نگرش های اجتماعی» یا نگرش افراد به واقعیت های اطراف

به عنوان مثال با شخصی صحبت می شود و ازدواج به عنوان معجونی از محبت و مسئولیت معرفی می گردد، اما آن شخص علی الرغم اینکه ازدواج را نیکو می داند، به دلیل عدم گذراندن دوران سربازی و ضرورت ادامه تحصیل و عدم وجود شغل نمی تواند ازدواج کند. یعنی واقعیت های اجتماعی مانع تصمیم گیری فرد برای ازدواج می باشد. بنابراین یکی دیگر از متغیرهای تصمیم گیری فرد نوع نگاه به واقعیت های اجتماعی است. و در صورت تغییر این نوع نگاه، تصمیم گیری نیز تغییر میکند.^{۱۰} پس اگر نوع نگاه افراد به واقعیت های اطرافشان تغییر نکند، توان تصمیم گیری صحیح در آنها وجود نخواهد داشت. مثال دیگر؛ زمانی که یک دانش آموز بیان میکند که: آمریکا با بمب اتم می تواند هفت بار کره زمین را نابود کند، پس چطور کشوری مثل ایران می خواهد با آمریکا بجنگد؟ در واقع او جهاد و شهادت را دوست دارد، ولی یک مانع در ذهنش ایجاد شده است، که اگر این تصور شکسته نشود او به تصمیم گیری درست نخواهد رسید. ولی چنین مانعی در ذهن یک طلبه وجود ندارد، زیرا او معتقد است، دنیا به ظهور حضرت

۹. قانون کسر سربازی برای بسیجیان

۱۰. بخشی از روایات پیرامون لزوم تغییر نگرشهای فرد به واقعیت های اجتماعی خویش است، که برخورد با واقعیت ها را برای انسان تسهیل می کند. به عنوان مثال زمانی که امام صادق علیه السلام تفسیر می گویند، می فرمایند: «اگر کسی از ترس فقر ازدواج نکند به خدا بدبین شده است.» در این جا فرد تصور اولیه اش این است که فقر مانع ازدواج است، ولی حضرت صادق علیه السلام شروع به شکستن این تصور می کند.

ولی عصر خواهد رسید و قبل از ظهور، این عالم از بین نخواهد رفت. در نتیجه این واقعیات القا شده بر تصمیم‌گیری‌های افراد معتمد به ظهور، موثر نخواهد بود. و یا مثالی دیگر؛ نیروهای انقلاب مردم را به تمدن‌سازی اسلامی دعوت می‌کنند. اما افرادی معتقد هستند، الگوی پیشرفت تابع تحول در علوم انسانی است. بنابر این در ذهن مخاطب مانعی به نام تبعیت تولید الگوی پیشرفت از تحول در علوم انسانی به عنوان یک واقعیت وجود دارد. و اگر نیروهای انقلاب نتوانند این نوع نگرش را تغییر دهند، اشخاص با این تفکر، در تمدن‌سازی اسلامی همراهی نخواهند کرد^{۱۱}.

۳/۲/۲. تبعیت نگرش‌های اجتماعی فرد از نگرش فردی

البته لازم به ذکر است که سطح دوم نگرش‌های موثر بر تصمیم‌گیری فرد دارای ضریب ۲ و سطح اول نگرش‌ها دارای ضریب ۴ می‌باشد. به عبارت بهتر اگر تصویر فرد از خود اصلاح شود، نوبت به تغییر نوع نگاه به مشکلات و واقعیت‌های اطراف خواهد رسید؛ ولی اگر فردی تصویر غلط از خودش داشته باشد، هیچ‌گاه نوبت به تغییر نوع نگاه به واقعیت‌های اطراف او نخواهد رسید.

۳/۲/۲/۱. تبیین تمثیلی تبعیت نگرش‌های اجتماعی از نگرش‌های فردی

به عنوان مثال، عده‌ای پیوستن به تجارت جهانی را واقعیت خوبی می‌بینند. همان‌طور که این مسئله جزء مفاد مذاکرات ژنو قرار گرفته است. یعنی جزء دستورکارهای احتمالی مذاکرات ایران با ۱+۵ این است که پیوستن ما به تجارت جهانی تسهیل شود. بنابر این پیوستن به تجارت جهانی را یک واقعیت خوب می‌داند، زیرا نگرش فردی ایشان از اساس غلط است، این اشخاص، از انسان اکونومیک بحث می‌کنند و خودشان را اکونومیک تعریف می‌کنند. مانند

۱۱. به عنوان مثال مشکل دیالوگی با فرهنگستان بر همین اساس است، ایشان دو دسته هستند، یک گروه معتقد به این هستند که تولید الگوی پیشرفت اسلامی تابع تحول در اصول فقه حکومتی است، لذا برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی باید در حوزه تحول ایجاد شود، و گروه دوم معتقد هستند که برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی باید در علوم انسانی تحول ایجاد شود. اگر واقعیت‌های هر دو گروه حل نشود، آنها در تمدن‌سازی اسلامی همراهی نخواهند کرد.

یکی از وزرای آموزش و پرورش که فرموده بود: انسان های غربی خیلی از ما جلوتر هستند؛ آن وزیر نگاهش به فرد و انسان تغییر کرده است، و یک آدم خوب را یک مهندس خوب می داند. لذا بحث میکند که علت مشکلات اقتصادی، این است که از دوره ابتدایی کارآفرینی و خلاقیت به بچه ها درس داده نمیشود. و یا به عنوان مثال دوم، عده ای نظام سلطه را مانع می بینند، و معتقد به گفتگو با کدخدا و عده ای هم معتقد به عدم مانعیت نظام سلطه هستند، و برخی از حرکات در نیویورک را نابجا می دانند. اما گروه اول معتقد است که فضای نیویورک عوض شده است و CNN نظرسنجی کرده و اسرائیل را به عقب رانده است. به ایشان گفته میشود: ایران حداقل برای صد گروه آرمانخواه از مستضعفین عالم به علت آن که در مقابل نظام سلطه ایستاده است، الگو می باشد. و این اقدام، الگو بودن ایران را زیر سؤال برده و ضرر استراتژیک است. و آن شخص این مسئله را در معادلات نمی بیند و حتی می گوید که حزب الله لبنان و حماس باید از ماجراجویی دست بردارند؛ زیرا موانع و واقعیت ها را به گونه ی دیگری می بینند.

سطح اول نگرش فرد به خود، و سطح دوم نگرش فرد به واقعیت های اجتماعی پیرامون خود می باشد و سطح سوم نگرشهای تاریخی است.

۳/۳. تبیین «نگرش های تاریخی» به عنوان سومین سطح از نظام نگرش های موثر بر تصمیم گیری فرد

سطح سوم از نگرش های موثر بر تصمیم گیری فرد، «نگرش های تاریخی» است. چرا که گاهی اشخاص، اصل مسئله را می پذیرند، همچنین عبور از واقعیت ها و موانع آن مسئله را هم میسور می دانند، اما تصمیم نمی گیرند. زیرا تجارب تلخ از مسائل در ذهن ایشان وجود دارد و مانع تصمیم گیری صحیح توسط افراد جامعه میشود.

۳/۳/۱. تبیین تمثیلی وجود تجربه های تلخ گذشته، به عنوان مانع تصمیم گیری صحیح

به عنوان مثال کسانی که قصد ازدواج دوم را دارند، اصل ازدواج را امری لازم می دانند. بنابراین با اصل ازدواج موافق هستند، واقعیت های مربوط به ازدواج را هم پذیرفته و از آنها عبور کرده اند. ولی پرهیز از تکرار زندگی تلخ گذشته، آنها را در تصمیم گیری برای ازدواج مجدد محتاط می نماید.

۳/۳/۲. تبیین هدایت «نگرش های تاریخی» به منظور ایجاد مشارکت در جامعه

لذا شخصی که در حال نظام سازی ذهنی است و قصد جهت سازی دارد، باید جهت مطرح شده و نحوه پردازش او مبشر یک آینده روشن باشد. تا هنگامی که به تحلیل گذشته اقدام می کند، بتواند این گذشته را پایه قرار دهد، و جامعه را برای تکرار آن گذشته امید بخش بسیج کند.

۳/۳/۲/۱. تبیین هدایت نگرش های تاریخی به وسیله تحلیل رفتاری امام خامنه ای

به عنوان مثال آیت الله امام خامنه ای در تقریظ کتاب لشکر خوبان که چندی پیش رونمایی شد، به بهانه تقریظ این کتاب می فرمایند: «از جمله دلایل وابستگی ملت ها این است که درک درستی از مقدورات و توانایی های خودشان ندارند و نمی دانند که چه چیزهایی در اختیارشان وجود دارد، لذا تسلیم می گردند»، سپس بلافاصله ایشان به قول رسانه ای ها فلش بک می زنند و می گویند «ما در حال بازخوانی جنگ هستیم، تا ببینید با دست خالی چه کار کرده ایم.» اگر عینک صحیح برای مطالعه فرمایشات ایشان وجود داشته باشد، آشکار می شود که ایشان در حال هدایت و تصحیح نگرش های تاریخی جامعه ایران هستند. و یا هنگامی که ایشان از لشکر شهید باکری و کارهایی که در دفاع مقدس انجام شده است، صحبت میکنند، بلافاصله بعد از آن می فرمایند: «قصد تحقق یک تمدن را داریم و این راه وجود دارد و باز است». در واقع با این سخنان در نگرش های جامعه تصرف می شود و جامعه متوجه می شود که با

دست خالی فرماندهان بیست و هفت ساله، زیر ساخت تکنولوژیک را در جنگ پایه ریزی کردند. لذا بازخوانی جنگ میتواند برای تمدن سازی اسلامی ایجاد ظرفیت کند. بنابر این در آینده مهندسی یادواره های شهداء باید تغییر داده شود، زیرا به اندازه هفتاد سال گنج در این جنگ نهفته شده است، و در حال حاضر متصدیان این امر نمیتوانند آن را استخراج کنند. بنابر این ثابت گردید، نگرشهای تاریخی نیز بر تصمیم گیری افراد موثر است.

۳/۳/۳. تابعیت اجراء احکام الهی از نظام سازی ذهنی، نتیجه توجه به مفهوم هدایت نظامات ذهنی

با توجه به آنچه پیرامون روش صحیح ایجاد مشارکت یعنی هدایت نظامات ذهنی بیان شد، می توان اینگونه گفت: اجرای احکام نیازمند نظام سازی است، به این معنا که اول باید نگرش فرد نسبت به حکم تغییر کند. فقهای آینده اگر قدرت تغییر نگرش جامعه نسبت به احکام اسلام را نداشته باشند و فقط احکام را بیان کنند، عمل به احکام کاهش می یابد. لذا فقیه باید بتواند نگرش مقلدین خویش را نسبت به احکام تغییر دهد. فقیه قائل به نظام سازی اسلامی برای اجرای احکام اسلام معتقد به پرورش ده جلد کتاب احکام در دوران مدرسه می باشد، زیرا علت احکام و نوع نگاه فرد به این حکم باید صحیح باشد، تا به طور مثال؛ متوجه حکم نورانی ازدواج موقت و تعدد زوجات شوند. اما در حال حاضر اگر راجع به ازدواج موقت صحبت شود، جامعه برخورد منفی خواهد داشت، زیرا در جامعه کسی که راجع به احکام نورانی اسلام صحبت کرده است، بدون پرورش فلسفه و نظام سازی ذهنی راجع به این احکام، طرح بحث کرده است.

۴. الزام پردازش مبتنی بر جهت به منظور هدایت نظامات ذهنی

اما نکته آخر آنکه پردازش مباحث ناظر به نظام نگرش های موثر بر تصمیم گیری فرد، باید مبتنی بر جهت گیری انقلاب باشد.

۴/۱. تبیین تمثیلی پردازش جهت محور

به عنوان مثال؛ آیت الله امام خامنه ای در سخنرانی خطاب به مردم آذربایجان فرمودند: «مبانی نظری انقلاب اسلامی، یک مبانی نظری صرف نیست، بلکه تجربه شده است»، ایشان در این سخنرانی قصد داشتند بر استحکام مبانی نظری انقلاب استدلال کنند، اما برای اثبات این استحکام استدلال نظری مطرح نکردند، بلکه فرمودند: «این مبانی نظری را طی سی سال انقلاب مورد تجربه قرار داده ایم». و یا ایشان به دولت آقای روحانی فرمودند: «زمانی که از اعتماد به خدا صحبت می کنیم، سی سال است اعتماد به خدا را تجربه کرده ایم و به عنوان یک مبانی نظری خام در گوشه کتابخانه نیست.» در واقع ایشان از مبانی نظری انقلاب بحث می کردند، اما مبانی نظری را ناظر به هدایت نظامات ذهنی طرح کردند^{۱۲}. و یا در احسن القصص قرآن - سوره یوسف - راجع به عفت بحث نظری نشده است، بلکه راجع به سرگذشت یک انسان عقیف صحبت می کند. بنابراین نحوه طرح بحث ناظر به هدایت نظامات ذهنی است و یک فضای دیگری مقابل مخاطب باز می کند. به عنوان معلل احسن القصص در خود سوره یوسف، خدای متعال می فرماید: «انما یتذکر اولوالالباب». خدای متعال می فرماید: من در حال داستان گویی هستم ولی در همین حال در حال تغییر لب و نگرش شما هستم. یعنی بالکل فضای تفسیر و علم اصول هم تغییر خواهد کرد.^{۱۳}

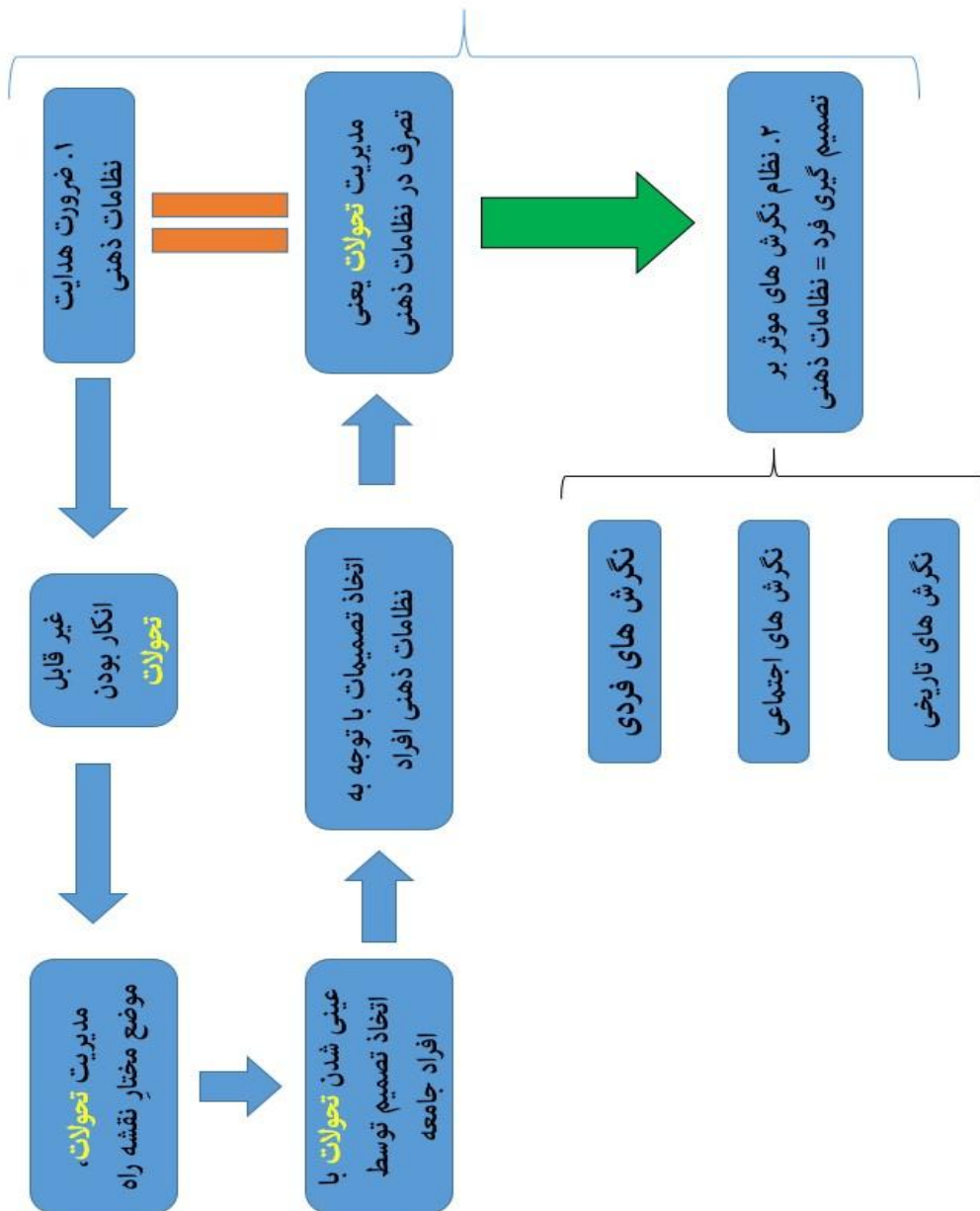
۱۲. به عبارت دیگر همان آیه «ان تنصر الله ینصرکم و یتبیت اقدامکم» را که دیگران می خوانند و معنا می کنند، ایشان هم می خوانند و به گونه ای به تجربه انقلاب ترجمه می کنند، که مخاطب احساس می کند که این آیه در انقلاب اجرا شده است. یعنی مخاطب درخشانی این آیه را مشاهده می کند، لذا به تکرار این تجربه در آینده شوق پیدا می کند.

۱۳. در آینده ذیل جداول علم اصول حوزه علمیه چگونگی استنباط قواعد اصولی از این آیات بیان خواهد شد. و این قاعده در حوزه، دانشگاه و اجرا به شکل های مختلف نمود خواهد یافت.

۴/۲. تبیین تفصیلی هدایت نظامات ذهنی به عنوان ابزار ایجاد مشارکت در الگوی ساخت نظامات اسلامی

آنچه طرح گردید، در واقع توضیح و تشریح اجمالی ابعاد لایه های اولیه هدایت نظامات ذهنی می باشد. البته در آینده، این مباحث به «الگوی ساخت نظامات اسلامی» یعنی قواعدی که می توان براساس آن برای مدیریت تحولات برنامه ریزی کرد، تبدیل خواهد شد. در صورتی که نظامات ذهنی جامعه هدایت شود، به سهولت افراد جامعه در جهت انقلاب با مدیر، مشارکت خواهند کرد. در حال حاضر تقاضای مشارکت از مردم در جهت گیری صحیح انقلاب، بدون داشتن چنین ابزاری صورت میگیرد. البته آیت الله امام خامنه ای همچون امام خمینی (ره) به چنین ابزاری مسلط هستند و در حال هدایت نظامات ذهنی می باشند؛ اما محل بحث، راجع به لایه های تصمیم ساز نظام است.

هدایت نظامات ذهنی



۱. تبیین هرم مفاهیم الگوی پیشرفت اسلامی، موضوع سلسله نشست های هم اندیشی مسئولین و فعالان کارگروه های گفتمانی .. ۳
- ۱/۱. تبیین هرم اول مباحث الگوی پیشرفت اسلامی، موضوع دومین نشست هم اندیشی ۳
۲. تبیین ضرورت نظام سازی ذهنی به عنوان مقدمه ای برای تبیین فلسفه، روش و نقشه نظام سازی ذهنی ۳
- ۲/۱. تبیین ضرورت نظام سازی ذهنی به وسیله تبیین فلسفه مدیریت تحولات ۳
- ۲/۱/۱. غیر قابل انکار بودن وقوع تحولات در بخش های مختلف جامعه ۳
- ۲/۱/۱/۱. تبیین چند نمونه از تحولات صورت گرفته در جامعه ایران ۴
- ۲/۱/۲. تبیین مواضع سه گانه ممکن اتخاذ در مقابل تحولات ۴
- ۲/۱/۲/۱. بررسی برخورد دفاعی با تحولات به عنوان اولین موضع ممکن در مواجهه با تحولات ۵
- ۲/۱/۲/۲. بررسی پذیرش مطلق تحولات به عنوان دومین موضع ممکن در مواجهه با تحولات جامعه ۵
- ۲/۱/۲/۳. تبیین «مدیریت تحولات» به عنوان موضع مختار نقشه راه برای مواجهه با تحولات جامعه ۵
- ۲/۱/۲/۳/۱. تبیین اجمالی مدیریت تحولات به وسیله نفی دو موضع هم عرض ۶
- ۲/۱/۲/۳/۲. عینی شدن یک تحول در جامعه با اتخاذ تصمیم افراد جامعه، علت آغاز مدیریت تحولات از هدایت نظامات ذهنی ۶
- ۲/۱/۲/۳/۳. تعریف «مدیریت تحولات» به تصرف در نظام نگرش های موثر بر تصمیم گیری افراد جامعه یا هدایت نظامات ذهنی .. ۷
- ۲/۱/۲/۳/۳/۱. تصرف در نظام نگرش های موثر بر تصمیم گیری، یعنی ایجاد زمینه برای اتخاذ تصمیم مناسب توسط افراد جامعه .. ۷
- ۲/۱/۲/۳/۳/۲. تعریف هدایت نظامات ذهنی به وسیله نفی معانی مشابه در غرب ۷
- ۲/۱/۲/۳/۳/۳. اختصاص هدایت نظامات ذهنی در نگرش های حوزه تصرف غیر معصومان (علیهم السلام) ۸
- ۲/۱/۲/۳/۴. هدایت یا تغییر اختیاری افراد جامعه موضوع اصلی مدیریت اسلامی تحولات ۹
- ۲/۱/۳. مفهوم «مدیریت تحولات»، تعریفی پایه ای در مباحث الگوی پیشرفت اسلامی ۹
۳. تبیین نگرش های سه گانه "فردی"، "اجتماعی" و "تاریخی" موثر بر تصمیم گیری فرد ۹
- ۳/۱. تبیین «نگرش فردی» به عنوان اولین سطح از نظام نگرش های موثر بر تصمیم گیری فرد ۹
- ۳/۱/۱. تبیین تمثیلی «نگرش های فردی» به وسیله تعریف مبدا و مقصد ۱۰
- ۳/۱/۲. تبیین تمثیلی «نگرش های فردی» به وسیله تبیین مفهوم سود در لسان وحی ۱۰
- ۳/۱/۳. تبیین تمثیلی جایگاه نگرش های فردی در تصمیم گیری افراد ۱۰

- ۳/۲. تبیین «نگرش های اجتماعی» به عنوان دومین سطح از نظام نگرش های موثر بر تصمیم گیری فرد ۱۱
- ۳/۲/۱. تبیین تمثیلی «نگرش های اجتماعی» یا نگرش افراد به واقعیت های اطراف ۱۱
- ۳/۲/۲. تبعیت نگرش های اجتماعی فرد از نگرش فردی ۱۲
- ۳/۲/۲/۱. تبیین تمثیلی تبعیت نگرش های اجتماعی از نگرش های فردی ۱۲
- ۳/۳. تبیین «نگرش های تاریخی» به عنوان سومین سطح از نظام نگرش های موثر بر تصمیم گیری فرد ۱۳
- ۳/۳/۱. تبیین تمثیلی وجود تجربه های تلخ گذشته، به عنوان مانع تصمیم گیری صحیح ۱۳
- ۳/۳/۲. تبیین هدایت «نگرش های تاریخی» به منظور ایجاد مشارکت در جامعه ۱۴
- ۳/۳/۲/۱. تبیین هدایت نگرش های تاریخی به وسیله تحلیل رفتاری امام خامنه ای ۱۴
- ۳/۳/۳. تابعیت اجراء احکام الهی از نظام سازی ذهنی، نتیجه توجه به مفهوم هدایت نظامات ذهنی ۱۵
۴. الزام پردازش مبتنی بر جهت به منظور هدایت نظامات ذهنی ۱۵
- ۴/۱. تبیین تمثیلی پردازش جهت محور ۱۵
- ۴/۲. تبیین تفصیلی هدایت نظامات ذهنی به عنوان ابزار ایجاد مشارکت در الگوی ساخت نظامات اسلامی ۱۶
- فهرست تفصیلی ۱۷